

### ادامه امر چهارم

بحث در مسأله تبدیل الامتثال بود. بیان شد که محقق خراسانی «رحمة الله علیه» در این مسأله قائل به تفصیل بین علت تامه بودن امر برای حصول غرض و علت ناقصه بودن آن شده اند و همچنین بیان گردید که ایشان در مبحث اجزاء در مقام تأیید و بلکه استدلال بر این مدعا، به روایاتی استناد می نمایند که دلالت بر جواز اعاده نماز فردی به جماعت دارند. در جلسات گذشته نقد هایی از محقق اصفهانی بر فرمایش محقق خراسانی «رحمة الله علیهما»، بعضی محققین معاصر و همچنین محقق عراقی «رحمة الله علیه» بیان گردید. در ادامه به پاسخ از نقد محقق عراقی «رحمة الله علیه، بیان نتیجه نهایی و بیان ثمرات مسأله خواهیم پرداخت.

### پاسخ استاد معظم

استدلال محقق عراقی «رحمة الله علیه» که در حقیقت نقد دیگری بر محقق خراسانی «رحمة الله علیه» می باشد، در فرضی درست است که از نگاه محقق خراسانی «رحمة الله علیه»، امر دائر باشد بین آنکه عمل و مأموریه، علت تامه برای حصول غرض آمر باشد و آنکه مقدمه برای حصول غرض او بوده و وجوب آن، مترشح از ذی المقدمه ای به نام حصول الغرض باشد و در نظر ایشان، حالت سوئی برای امر متصور نباشد؛ و لکن یقیناً ایشان چنین نگاهی را به عمل و مأموریه ندارند و اساساً اگر چنین نگاهی را داشته باشند، میان عملی که علت تامه برای حصول غرض است و عملی که علت ناقصه برای حصول غرض می باشد، در جهت مقدمیت تفاوتی وجود نخواهد داشت. چون وجوب عمل در هر دو مورد، به خاطر تحصیل غرض مولی است. نهایتاً یکی از اینها که علت تامه است، موصله بوده و دیگری که علت ناقصه است، غیر موصله می باشد و در این صورت مقدمه ای که واجب نفسی باشد نداریم و ثوابی بر انجام اعمال واجب، به خصوص در جایی که علت ناقصه باشند، مترتب نخواهد شد و این چیزی است که نه محقق خراسانی «رحمة الله علیه» و نه هیچ کس دیگری، ملتزم به آن نمی شود.

با توجه به این مطلب، از نگاه محقق خراسانی «رحمة الله علیه»، به اقتضای اطلاق اوامر، تمام اعمالی که متعلق این اوامر قرار گرفته اند، مطلوب فی نفسه می باشند، چه علت تامه برای حصول غرض باشند و چه علت ناقصه، نهایتاً اگر علت ناقصه باشند، وجوب تهیوی نفسی دارند. بنا بر این، اشکالی که محقق عراقی «رحمة الله علیه» بر تفصیل محقق خراسانی «رحمة الله علیه» وارد نموده اند و به عبارت دیگر، استدلالی که ایشان در جهت اثبات عدم معقولیت تبدیل امتثال، مورد استناد قرار داده اند، متوقف بر پیش فرضی است که لم یلتزم به احد.

### نتیجه نهایی

از مجموع آنچه محقق اصفهانی «رحمة الله علیه» و بعضی دیگری از اعظام، در مقام نقد محقق خراسانی «رحمة الله علیه» طرح کرده اند و ضمائم که ما مطرح کردیم، استفاده می شود که تبدیل امتثال، به معنای انجام مأموریه با تمام اجزاء و شرایط آن، به امتثالی دیگر به همین معنا، استحاله عقلی داشته و مجالی برای ورود به مقام اثبات و بحث از دلالت یا عدم دلالت روایات در این خصوص باقی نمی ماند.

### امر پنجم: ثمرات المسألة

در گذشته بیان شد که اگر امر به کمک قرینه دلالت بر مره نماید، در مقام امتثال باید اکتفاء به مره نمود و تکرار آن وجوداً یا ایجاداً، مضر به عمل انجام گرفته است و اگر دلالت بر تکرار نمود، باید عمل را در حدی که معین شده، یا در حدی توان چنانچه تکرار معین نشده، تکرار

خارج اصول، سال پنجم، «مبحث أوامر»....استاد معظم حاج شیخ عباسعلی زارعسی سبزواری «دام مره» کرد و اکتفاء به مره نادرست است؛ و اما اگر قرینه ای نبود، این امر دلالت بر مطلوبیت نفس طبیعت می کند و از آنجا که طبیعت یتحقق بتحقیق فرد من افراده، لذا تکرار آن بدعت خواهد بود؛ چون نه راهی برای تعدد امتثال وجود دارد و نه راهی برای تبدیل امتثال و فقهاء عظام بر اساس همین نظریه، تکرار بعضی از اعمال را جایز ندانسته اند که ذیلاً به چند مورد اشاره خواهیم کرد.

#### ثمره اول: بدعت بودن تکرار مسح سر

شیخ الطائفه «رحمة الله عليه» در الخلاف می فرمایند: «مسح الرأس دفعة واحدة و تکراره بدعة»<sup>۱</sup> و در مقام استدلال، به آیه شریفه «و امسحوا برئوسکم و ارجلکم»<sup>۲</sup> استناد نموده و می فرمایند «قد ثبت ان الامر لا يقتضى التکرار، فمن اوجب التکرار، احتاج الى دليل و كذلك من قال انه مسنون، احتاج الى دليل»<sup>۳</sup>.

#### ثمره دوم: کفایت مره در وصیت به حج

از جمله مواردی که فقهاء مکرر به بحث مره و تکرار استناد نموده اند، این فرع فقهی است که «من اوصى ان يحج عنه و لم يعين المرأت، فإن لم يعلم منه ارادة التکرار، اقتصر على المرّة»<sup>۴</sup>. بسیاری از اعظام در مقام استدلال بر این فرع می فرمایند «لأن الامر لا يدل على التکرار».

#### ثمره سوم: کفایت مره در نماز آیات

یکی از موارد بحث آن است که آیا در صورت تحقق کسوف و خسوف، امر به اقامه نماز آیات از ابتدای شروع هر یک از این دو تا انتهاء آن می باشد و لذا نماز آیات باید تا زمانی که کسوف و خسوف پایان نیافته، تکرار شود یا خیر؟ مرحوم شهید اول در القواعد و الفوائد، انجام نماز آیات مره را واجب دانسته و دلیل آن را عدم دلالت امر بر تکرار می دانند.<sup>۵</sup>

#### ثمره چهارم: کفایت مره در نماز میت

یکی از موارد بحث آن است که آیا در صورت اقامه نماز میت، افراد می توانند آن را به صورت ندبی یا وجوبی تکرار نمایند یا خیر؟ فقهاء قائل به عدم دلالت امر بر تکرار و اکتفای مره در امتثال می باشند و محقق اردبیلی «رحمة الله عليه» در مجمع الفائدة،<sup>۶</sup> به همین مطلب استناد می نمایند.

و همچنین بسیاری موارد دیگر از فروع فقهیه مثل تکرار زکات غلات به تکرار سالها چنانچه غلات باقی بمانند یا عدم تکرار آن و ... ان شئت فارجع الى المطولات.

«و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين»

۱- الخلاف، جلد ۱، صفحه ۷۹

۲- مائده/ ۶

۳- الخلاف، جلد ۱، صفحه ۸۰

۴- شرايع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام، جلد ۱، صفحه ۲۱۰

۵- ایشان در القواعد و الفوائد، جلد ۲، صفحه ۳۱۰، در قاعده ۲۹۴ می فرمایند: «الأسباب تؤثر في مسبباتها، و لا يجب دوام مسببها بدوامها إذا امتثل الأمر فيه و الواجبات الموسعة بحسب الأوقات من هذا القبيل، فان الوقت سبب، و يكفي إيقاع الفعل في جزء منه. و من ثم اكتفي في صلاتي الكسوف و الخوف بالمرّة، مع أن أصل الأمر لا يدل على التکرار». البته ایشان در ادامه در مقام نقل قول سید مرتضی، ابی الصلاح و سلار «رحمة الله عليهم اجمعين» بر وجوب تکرار نماز آیات می فرمایند: «و يظهر من كلام المرتضى، و أبي الصلاح، و سلار: وجوب الإعادة ما دام السبب، كأنهم يذهبون إلى أن الوجوب مغيب برد النور، أو ذهاب الخوف، فيكون الكسوف سببا لوجوب الصلاة، و دوامه سببا أيضا. و يلزم من هذا إثبات سببية لم يدل عليها النص بإحدى الدلالات».

۶- ایشان در مجمع الفائدة و البرهان، جلد ۲، صفحه ۴۵۵، در مقام استدلال بر کفایت مره در نماز میت می فرمایند: «و الأمر لا يدل على التکرار، بل يدل على الإجزاء و الخروج عن العهدة بمرّة واحدة، فالرأى يحتاج إلى الدليل».